

A Comparative Study of the Iraqi Popular Mobilization forces and Palestinian Hamas

Seyed Saleh Mousavi, PhD Student in Political Studies of the Islamic Revolution, Department of Political Science, Shahed University, Tehran, Iran

Mohammad Rahim Eivazi, Professor, Department of Political Science, Shahed University, Tehran, Iran

Seyed Mohammad Ashrafi, M.A of International Relations, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

Received: 10/11/2021

Acceptance: 08/03/2022

Abstract

Over the past three decades, we have witnessed the emergence and strengthening of socio-political movements among the nations of the region, especially the Shiites of the Middle East. Considering the internal and external consequences of these movements, their effective role can be seen in the levels of regional and national developments. This article compares the two contemporary Islamist resistance groups, the Palestinian Hamas Resistance Movement and the Iraqi Popular Mobilization Force. Given the current situation in the Middle East, the structure and organization of these two groups in the form of a conceptual device and through comparative study is important. The method of reviewing the present article is descriptive-exploratory and the main question is what are the differences and similarities between the popular mobilization forces and Hamas? In response, it must be acknowledged that the comparison of these two resistance

groups clearly shows the understanding of the fundamental and influential recent developments between Iraq and Palestine. and the influence of these groups as the support arms of the Islamic Republic is very important

According to the study and using Alan Thorne's conceptual framework, there are relatively obvious similarities and differences between the three components (generality, opposition or conflict and the principle of identity), so that due to the similarities and differences between each of these two resistance groups, in some cases, differences according to the specific circumstances in which they are placed.

Based on the principle of identity, the Iraqi Popular Mobilization Force Group has been formed with a focus on recruiting popular forces, regardless of ethnicity or religion. The emergence of Takfiri terrorism in the West Asian region has also brought significant parts of western Iraq under the control of ISIS. In such circumstances, the inefficiency of the Iraqi army in the fight against terrorism, as well as the decision of the cabinet during the presidency of Nouri al-Maliki to form a people's force to defend the territorial integrity of Iraq and expel terrorists from the country, and finally the issuance of a fatwa on jihad. The Iraqi supreme authority established the Hashad al-Shaabi base for the presence of various segments of the people in the struggle against ISIL.

Comparing the identities of these two resistance groups, it can be said that the Iraqi popular mobilization resistance group has a Shiite Islamic ideology, and the ideology of the Hamas resistance movement is rooted in the Egyptian Muslim Brotherhood. Also, the commonalities and differences of these two resistance groups can be expressed as follows; In both groups of resistance, the leading leaders of these currents have been influenced by the Islamic

Revolution of Iran and the implementation of these ideas of the Islamic Revolution is evident. The doctrinal and jurisprudential principles of this group, which originated from the Egyptian Muslim Brotherhood, have a more Islamic aspect.

Both resistance groups entered the arena of struggle in order to create the necessary conditions for the liberation of the country from oppression and aggression. These groups also have the support of the masses.

The two groups of the popular uprising in Iraq and Hamas in Palestine are deeply connected to the Islamic Revolution of Iran, and the growth and influence of these groups as the support arms of the Islamic Republic is very important. The Popular Mobilization Resistance Group and the Hamas Resistance have common foreign enemies, such as the United States, and with the extent of their activities and influence, they sometimes attack their interests with attacks from these countries.

Given the participation of the Hamas resistance movement in the elections and the acquisition of political legitimacy at home and abroad, the official Hamas organization in the Palestinian state structure is more cohesive than the popular mobilization resistance group in Iraq.

Comparing the identities of these two resistance groups, it can be said that the Iraqi popular mobilization resistance group has a Shiite Islamic ideology, and the ideology of the Hamas resistance movement is rooted in the Egyptian Muslim Brotherhood.

We can also see Hamas' strategy in changing the regional approach and distancing the Hamas movement from Iran in recent years according to its interests. It should be noted that liberation movements, like any other social phenomenon, evolve over time and under the influence of conditions and components.

بررسی مقایسه‌ای گروه‌های مقاومت حشد الشعبی عراق و حماس فلسطین

مقاله ترویجی

سید صالح موسوی^۱، دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران
محمد رحیم عیوضی^۲، استاد گروه علوم سیاسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران
سید محمد اشرفی^۳، دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷

دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۹

صص: ۱۶۵-۱۴۰

چکیده

در سه دهه اخیر، در میان ملت‌های منطقه به‌ویژه شیعیان خاورمیانه، آشکارا شاهد خودآگاهی و ظهور و تقویت جنبش‌های سیاسی اجتماعی بوده‌ایم. با توجه به پیامدهای داخلی و خارجی این جنبش‌ها، نقش تأثیرگذار آن‌ها را در سطوح تحولات منطقه‌ای و کشوری می‌بینیم. در این مقاله دو گروه مقاومت اسلام‌گرای معاصر، جنبش مقاومت حماس فلسطین و گروه مقاومت حشد الشعبی عراق را با یکدیگر مقایسه می‌کنیم. با توجه به شرایط کنونی خاورمیانه، ساختار و تشکیلات این دو گروه در قالب یک دستگاه مفهومی و به‌وسیله مطالعه تطبیقی اهمیت دارد. روش بررسی این مقاله توصیفی اکتشافی است. در پی پاسخ این پرسش هستیم که گروه‌های مقاومت حشد الشعبی و حماس چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با یکدیگر دارند؟ مقایسه این دو گروه مقاومت، دلایل تحولات اساسی و تأثیرگذار اخیر دو کشور عراق و فلسطین را به‌صورت شفاف مشخص می‌کند. گروه مقاومت حشد الشعبی

1. salehmusavi111@yahoo.com

عراق و حماس فلسطین، پیوند عمیقی با انقلاب اسلامی ایران داشته و رشد و نفوذ این گروه‌ها به‌عنوان بازوان حمایتی جمهوری اسلامی بسیار اهمیت دارد. در مقایسهٔ هویت این دو گروه مقاومت، قالب گروه مقاومت حشدالشعبی عراق، ایدئولوژی اسلامی شیعی و ایدئولوژی جنبش مقاومت حماس ریشه در اخوان المسلمین مصر دارد. شایان توجه اینکه جنبش‌های آزادی‌بخش، همچون هر پدیدهٔ اجتماعی دیگر، در گذر زمان و تحت تأثیر شرایط و مؤلفه‌هایی، دچار تحول می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: جنبش مقاومت، حشدالشعبی، حماس، عراق، فلسطین.

مقدمه

امروزه گذشته از بازیگران رسمی نظام‌های سیاسی و بین‌الملل، جنبش‌ها و سازمان‌های متعددی در تعیین سیاست‌ها و نتیجه‌بخشی تحولات، تأثیرگذارند. اصناف، تعاونی‌ها، مجامع، جنبش‌ها و مؤسسه‌هایی هستند که داعیهٔ فراملی دارند و خود را به حوزه‌ای خاص محدود نمی‌کنند. این کارگزاران جدید، در بحث حساس و مهم مشروعیت جایگاه مهمی برای خود یافته‌اند، به‌گونه‌ای که در فرایند بسیج اجتماعی، عاملی مهم به‌شمار می‌روند و در راه‌اندازی، هدایت و به نتیجه‌رساندن حرکت‌ها سهم به‌سزایی دارند. به بیان دیگر، نظام‌های سیاسی باید از هم اکنون در روند تصمیم‌سازی سیاسی خود جایگاه درخوری برای این نهادها پیش‌بینی کنند (Payne, 2001: 36-37). با توجه به جنبه‌های مختلف جنبش‌های اسلامی که شامل ابعاد سیاسی، اجتماعی، فکری و اعتقادی براساس موازین اسلام و با استفاده از شیوه‌های مسالمت‌آمیز، در جوامع اسلامی بوده، می‌توان این حرکت سازمان‌یافتهٔ مردمی را در جهت رسیدن به حالت موجود و مطلوب تصور کرد که از یک‌سو متأثر از عوامل و دستورات دینی و اندیشه‌ای مبنی بر مبارزه با ظلم و تلاش برای رسیدن به جامعه‌ای در مسیر ارزش‌ها و از سوی دیگر تحت تأثیر عوامل عینی مانند استعمار غرب، انحطاط فکری و استبداد داخلی، سکولارسازی شتاب‌زدهٔ جوامع اسلامی، شکست‌های نظامی مسلمانان از بیگانگان و انحطاط درونی است (Fawzi, 2011:154). گروه‌های مقاومت حشدالشعبی عراق و حماس فلسطین از گروه‌های مقاومتی هستند که منشأ به‌نسبت مشابهی در حوزهٔ سرزمینی خود و همچنین در عرصهٔ تغییر و تحولات چشمگیر داخلی و گاهی بین‌الملل داشته‌اند.

ناتوانی نیروهای امنیتی رسمی عراق برای مهار بحران ناشی از ظهور داعش، دولت این کشور را وادار کرد بسیج نیرو برای تشکیل ساختار دفاعی کمکی را در دستور کار قرار دهد. این ساختار دفاعی با نام حشد الشعبی به عنوان بخشی از نیروهای امنیتی عراق رشد و توسعه یافت. حشد الشعبی یک گروه ناهمگن، متشکل از گروه‌های مختلف است. حدود نیمی از آن‌ها شبه‌نظامیان پیشین هستند و تقریباً نیم دیگر، نیروهای جدیدی هستند که در گذشته در خدمت آیت الله سیستانی یا دیگر سیاست‌مداران عراقی بوده‌اند. اقلیتی مسیحی نیز در این گروه‌ها عضویت دارند. حماس، جنبش مقاومت مردم فلسطین است و رویکردی جهادی دارد. عقاید حماس دینی و مبنای اسلامی را اصلی ثابت برای هرگونه مبارزه علیه دشمن صهیونیستی می‌داند. این جنبش، آزادی همه سرزمین فلسطین و رهایی قدس شریف را هدف مبارزه و جهاد خویش اعلام کرد (Purqiumi, 2009:9). جنبش حماس مبارزه مسلحانه را تنها راه نابودی کامل رژیم صهیونیستی و آزادی خاک فلسطین می‌داند. بازگشت بی‌قید و شرط آوارگان به خاک و کاشانه خویش، برخورداری از حق تعیین سرنوشت و تشکیل حکومت اسلامی از اولویت‌های مهم مبارزاتی حماس است. با توجه به شرایط منطقه خاورمیانه و جایگاه کنونی گروه مقاومت حشد الشعبی عراق و جنبش مقاومت حماس و اهمیت آن‌ها، همچنین پیوندهای نزدیک انقلاب اسلامی، تفاوت و شباهت‌های این دو گروه مقاومت از ابعاد بسیار برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت دارد. در این مقاله به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که گروه مقاومت حشد الشعبی عراق و حماس فلسطین با یکدیگر چه اشتراک‌ها و تفاوت‌هایی دارند؟

پیشینه تحقیق

سید مهدی طاهری (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان لبنان با تاکید بر جنبش حزب الله» بیان می‌کند. پژوهش حاضر تلاش داشته ضمن اینکه انقلاب اسلامی را به عنوان نقطه آغاز خیزش بیداری اسلامی در نیمه دوم قرن بیستم دانسته و آن را نوید بخش دوره جدید از اسلام، که شیعیان لبنان را به تکاپو واداشته است. از اینرو شیعیان لبنان و به ویژه حزب الله لبنان با استفاده از ظرفیت‌های معنوی انقلاب اسلامی توانسته‌اند نقش فزاینده‌ای را در عرصه‌های

سیاسی واجتماعی ایفا کند. در این راستا به علت حمایت ایران از شیعیان لبنان به ویژه حزب الله، بهتر از جمهوری اسلامی در گام اول درصدد وحدت تمام شیعیان با اهدافی همچون مبارزه با اسرائیل و ... برآید و درگام دوم نیز در راستای همگرایی با سایر طوائف تلاش داشته باشد.

ذوالقدر و نظری (۱۳۹۴) در مقاله ای تحت عنوان « بررسی رابطه ایران و لبنان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی » بیان می کنند که حضور ایران در لبنان دارای پیامدهای مثبت و منفی میباشد به عنوان مثال در مبحث پیامدهای منفی متهم کردن ایران به مداخله در امور داخلی کشورها و در مبحث پیامدهای مثبت افزایش قدرت هوشمند ایران در منطقه را، میتوان نام برد. در پایان عنوان می کنند که لبنان به عنوان پایگاهی امن برای جمهوری اسلامی ایران جهت ادامه مبارزات علیه اسرائیل بوده و از همین رو منطقه را وارد جنگهای نیابتی میکند منظور از جنگهای نیابتی در این برهه لبنان به نیابت از جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل به نیابت از غرب به خصوص آمریکا میباشد. اساسا نقش لبنان به خصوص حزب الله برای اهداف جمهوری اسلامی ایران بسیار مهم و کلیدی میباشد. و در این برهه زمانی که شاهد منازعات شدید در منطقه غرب آسیا هستیم، مهمترین اضلاع محور مقاومت را ایران و حزب الله لبنان تشکیل میدهند. که در جبهه منازعه سوریه، حزب الله لبنان به نیابت از جمهوری اسلامی ایران سعی در حفظ و تقویت این محور داشته است چرا که آنها بر این باورند جبهه تکفیریها و داعش اساسا به دست غرب با کمکهای اسرائیل اداره شده و در میدان نبرد سوریه وارد جنگ نیابتی شده اند. به طور کلی میتوان موارد زیر را به عنوان مهمترین اهداف رابطه ایران و لبنان نامبرد:

به خطر انداختن موجودیت اسرائیل و انتشار و صدور انقلاب اسلامی و گسترش تشیع و ایجاد جبهه مقاوم و مستحکم در برابر منازعات و ناامنی منطقه ای.

خواجه سروی و رحمتی (۱۳۹۲) در مقاله ای تحت عنوان « انقلاب اسلامی و گفتمان سیاسی شیعه در لبنان » این دو نویسنده با استفاده از روش گفتمان لاکلا و موف و نظریه پخش تلاش می کنند می کنند که مدلی ارائه دهند که در نتیجه آن فرضیه اصلی مقاله یعنی اینکه انقلاب اسلامی ایران با تاثیرگذاری خود موجب پویایی، فعال و انقلاب شدن اندیشه سیاسی تشیع در کشور لبنان شده است. در نتیجه به منظور اثبات این فرضیه هژمونیک شدن دال استکبارستیزی و ایجاد گفتمان مقاومت

که نمود عینی آن حزب الله است مورد بررسی قرار گیرد. در نتیجه عنوان داشتند که شیعیان لبنان به وسیله احساس یگانگی ایدئولوژیک با ایران که پس از اقدامات صدر و وقوع انقلاب اسلامی رخ داد توانستند طی دوره ای سی ساله، نقش خود را در جامعه و مهم تر از آن، شکل رهبریشان را به گونه ای بهت آور تغییر دهند. جامعه ای که تحت سلطه یک نظام فئودالی با حاکمیت زعما (فرمانروایان مستنبد محلی و سنتی) رنجور شده بودند، توانست این رهبران فئودال و قبیله ای را به نفع رهبران امروزی، مردمی و بسیج کنند. این رهبران جدید درکی روشن از جامعه شیعه و اهدافی متکی بر ارزش های شیعه دارند. نمود عینی این رهبری را در حال حاضر می توان در حزب الله و رهبران آن سید حسن نصرالله دید. وی مقید به ولایت فقیه و تحت تاثیر پیام ها و ارزش های انقلاب اسلامی قرار دارد.

چارچوب نظری

به عقیده تیلی، پدیده‌هایی همچون انقلاب‌ها، شورش‌ها، جنبش‌های اجتماعی، توطئه‌های سیاسی و حتی بسیاری از کودتاها، انواع مختلفی از کنش جمعی هستند که با هدف ایجاد تغییر یا جلوگیری از تغییری در جامعه اتفاق می‌افتد. بدین منظور نظریه‌پردازی درباره کنش‌های اجتماعی برای رسیدن به شناخت درباره این پدیده‌ها بسیار ضروری است. نظریه جنبش‌های اجتماعی تیلی با عنوان نظریه‌های تعارض سیاسی دسته‌بندی می‌شود که خود در نظریه‌های سازماندهی و بسیج قرار دارد. تیلی چرخشگاه نظری خود را مفهوم کنش جمعی قرار می‌دهد و آن را عبارت می‌داند از «کنش مردم با هم در تعقیب منافع مشترک». کنش جمعی از دید او ناشی از ترکیب‌های متنوع و متحول منافع، بسیج و فرصت است (Tili, 2017: 11).

منظم‌شدن روابط اجتماعی نتیجه کنش اجتماعی است و جنبش‌های اجتماعی عوامل جمعی کنش اجتماعی هستند. از نگاه آلن تورن، جنبش اجتماعی برخلاف عقیده نظریه‌پردازان، بسیج منابع رویدادهای استثنایی نیست (Nash, 2014: 162-163). به عقیده آلن تورن در هر جامعه‌ای یک برخورد اصلی بین جنبش‌های اجتماعی مخالف وجود دارد، برخورد بین طبقه متوسط که «تاریخ‌مندی» را به خود اختصاص داده است. منظور تورن از تاریخ‌مندی برخلاف نظریه مارکسیست‌ها و معتقد است که طبقات برای مالکیت و کنترل ابزار تولید در یک جامعه مبارزه

نمی‌کنند، بلکه بر سر چیزی مبارزه می‌کنند که از آن به‌عنوان «تاریخ‌مندی» تعبیر می‌شود (Nash, 2014: 164). به عقیده تورن جنبش‌های اجتماعی نیرویی کنشی هستند و مبارزه آن‌ها در جهت غلبه شکل‌های فرهنگی و ساختاری یا زندگی اجتماعی است که به شکلی مهار تاریخ‌مندی است. بنابراین تفاوتی بین رفتار جمعی که عمل واکنشی بوده در مقابل نیروی کنشی جنبش‌های اجتماعی وجود دارد (Lecht, 1998: 278). جنبش‌های اجتماعی به‌واسطه اهداف تضاد و روابط آشکار بین کنشگران تعریف می‌شود و با توجه به تضاد اصلی جامعه سه نوع تضاد را بیان می‌کند: ۱. رقیب: تعریف و مشخص شدن جنبش‌های اجتماعی به‌واسطه رقیبان؛ ۲. اهداف: عرصه تضاد توسط کلیت‌های فرهنگی معرفی می‌شود؛ ۳. هویت کنشگر: کنشگران بیشتر، کنش‌های خود را به‌صورت گسست از ارزش‌های فرهنگی قالب و نهادینه‌شده خلق می‌کند (Hajli, 2007: 82-83). اصول سه‌گانه و پی‌ریزی موجودیت و ماهیت جنبش‌های اجتماعی، براساس دیدگاه آلن تورن این‌گونه است: الف) اصل هویت: یک جنبش اجتماعی باید مشخص کند که از چه افراد و اشخاصی تشکیل شده است و به‌عنوان نماینده یا سخنگوی چه گروه‌ها و اشخاصی بوده یا مدافع یا محافظ چه منافع و برای چه کسانی است. همچنین برای درک یک جنبش اجتماعی پرسش‌هایی از این نوع مطرح می‌شود: جنبش از منافع چه کسانی دفاع و حفاظت می‌کند؟ به نام چه افرادی سخن یا صحبت می‌کند و این جنبش معرف چه کسانی است؟

ب) اصل ضدیت یا مخالفت (دشمن): همیشه نوعی نیروی مقاوم و ایستاده در برابر جنبش‌های اجتماعی قرار دارد و برای جلوگیری و درهم شکستن مخالفان یا دشمنان خود می‌کوشد و لزوماً سدی در برابر خود می‌بیند. بدون اصل ضدیت/مخالفت جنبش اجتماعی نمی‌تواند وجود داشته باشد. جنبش‌های اجتماعی اهداف خود را با وضع موجود در تعارض می‌بینند و با وضع موجود مخالفند.

ج) اصل عمومیت: ایده‌های بزرگ و فلسفه یا ایده‌های مذهبی و دینی می‌تواند آغازگر یک جنبش اجتماعی باشد. کنش‌هایی که در راستای جنبش‌های اجتماعی پدید می‌آید، ممکن است به‌صورت خوشبختی و رفاه جمعی، آزادی بشریت، منافع ملی، برخورداری از حقوق انسانی و غیره باشد. تغییر در جهت‌گیری یک جنبش اجتماعی معمولاً با عمومیت آن همراه است و این‌ها همان ویژگی‌هایی هستند که

آلن تورن آن را اصل عمومیت می‌نامد (Ruoshe, 1989: 130-131).

گروه مقاومت حشدالشعبی عراق

زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری حشدالشعبی

پس از خروج آمریکا، شبکه تروریسم در عراق بازسازی شدند و ناکارآمدی نیروهای امنیتی عراق در مهار بحران امنیتی سبب شد که دولت به مرور کنترل خود بر بخش زیادی از استان‌های سنی‌نشین را از دست بدهد. چرخشگاه این روند، فروپاشی یک‌چهارم استعداد نیروهای امنیتی عراق در شب و روز دهم ژوئن ۲۰۱۴ و تسلط داعش بر موصل، مرکز استان نینوا بود. شرایط اضطراری حاکم بر عراق، دولت را وادار کرد دوباره بسیج نیرو برای تشکیل یک ساختار دفاعی کمکی را در دستور کار قرار دهد. در این روند، شاخه‌های نظامی احزاب و جریان‌های سیاسی شیعه به بستر جذب نیروی انسانی در شرایط اضطراری تبدیل شدند که نتیجه آن، تشکیل یک سازمان جدید نظامی رسمی به نام حشدالشعبی به موازات ارتش و پلیس در عراق بود (Amirhamed and Azad, 2019: 72).

پس از تصمیم دولت برای سازماندهی نیروهای دفاعی داوطلب، شیخ عبدالمهدی کربلایی نماینده آیت‌الله سیستانی نیز در ۱۳ ژوئن ۲۰۱۴، با قرائت فتوایی از سوی ایشان، جهاد را واجب کفایی و تصریح کرد، شهروندانی که توانایی حمل سلاح و مبارزه با تروریست‌ها و دفاع از کشور و ملت و مقدساتشان را دارند، باید برای پیوستن به نیروهای امنیتی داوطلب شوند. بعد از صدور قرار شماره ۳۰۱ و فتوای جهاد کفایی، سازماندهی داوطلبان در چارچوب ساختاری به نام کمیته‌های حشدالشعبی (لهان الحشد الشعبی) در دستور کار قرار گرفت و دولت در جلسه ۶ جولای ۲۰۱۴، با صدور قرار شماره ۳۳۷ داوطلبان خدمت در نیروهای مسلح و کمیته‌های حشدالشعبی را مشمول دریافت حقوق و دستمزد کرد.

تا سال ۲۰۱۵ کمیته‌های حشدالشعبی به هیئت حشدالشعبی تغییر نام داد و دولت در ۲۴ فوریه ۲۰۱۵، با صدور قرار شماره ۸۸، مبلغ ۶۰ میلیون دلار به توانمندسازی حشد الشعبی اختصاص داد: Cabinet Resolution No. 88.1 (2015). همچنین تصویب قانون شماره ۴۰ در سال ۲۰۱۶، اولین تلاش دولت عراق برای تبدیل حشدالشعبی از یک ساختار گروهی و وابسته به جریان‌های سیاسی به

یک سازمان حرفه‌ای نظامی بود. در این قانون تصریح شده بود که حشدالشعبی بخشی از نیروهای مسلح عراقی و تحت امر فرمانده کل نیروهای مسلح است که از فرماندهی، ارکان سلسله مراتب رایج در نیروهای مسلح برخوردار است و حتی در ماده دوم این قانون با استناد به تبصره (ج) از بند پنجم در ماده شصت و یکم از قانون اساسی مقرر شده بود که تعیین فرمانده لشکر و بالاتر در این سازمان همانند دیگر نیروهای مسلح باید پس از معرفی نخست‌وزیر، توسط پارلمان به تصویب برسد (Iraqi facts No. 4429, 2016: 4).

حشدالشعبی با محوریت نیروهای مردمی و فارغ از قومیت و مذهب شکل گرفته است. همچنین با تأکید آیت الله سیستانی مرجعیت عالی عراق، مبنی بر حقوق یکسان همه مردم عراق با قومیت‌ها و مذاهب، می‌توان الگوی حشدالشعبی را به‌عنوان نمونه‌ای موفق از اتحاد ملی مردم عراق در مسئله مبارزه با تروریسم دانست و آن را به دیگر مسائل و مشکلات عراق تسری داد. همچنان که آمار و اطلاعات نیز از محبوبیت نیروهای محلی و مردمی به‌صورت کلی در عراق حکایت دارد و می‌توان از این سرمایه برای گسترش وحدت ملی در دیگر حوزه‌ها استفاده کرد. ظهور پدیده تروریسم تکفیری در منطقه غرب آسیا سبب شد، بخش‌های قابل توجهی از غرب کشور عراق در سیطره «داعش» دربیاید. در چنین شرایطی، ناکارآمدی ارتش عراق در مبارزه با تروریسم و نیز تصمیم هیئت وزیران در دوره نخست‌وزیری نوری المالکی مبنی بر تشکیل نیروی مردمی برای دفاع از تمامیت ارضی عراق و بیرون‌راندن تروریست‌ها از این کشور و سرانجام صدور فتوای جهاد کفایی از سوی مرجعیت عالی عراق برای حضور اقشار مختلف مردم در مجاهدت ضد داعش پایه حشدالشعبی را بنا نهاد.

حشدالشعبی توانست در مراحل مختلف در مبارزه با تروریسم نقش مهمی ایفا کند و بسیاری از مناطقی که تحت تسلط داعش بود، از جمله آمرلی، جرف الصخر، دیالی، فلوجه، موصل و تلعفر را آزاد کند. این نیروی مردمی، الگوی موفقیتی در عرصه ملی عراق به حساب می‌آید. امری که مقام معظم رهبری در دیدار با نخست‌وزیر عراق در خرداد ۱۳۹۴ به آن اشاره و تأکید کردند: «ظرفیت بزرگ نیروهای داوطلب مردمی، برای آینده و پیشرفت عراق در عرصه‌های مختلف بسیار کارآمد و تأثیرگذار خواهد بود». تشابه ساختار سازمان نوپا و کارآمد حشدالشعبی به سپاه پاسداران

انقلاب اسلامی، سبب شد، عده‌ای لزوم تأسیس سازمان مشابه با سپاه ایران در عراق را مطرح کنند. همچنین الگوپذیری سازمان حشدالشعبی عراق از بسیج ایران، بارها از مقامات ارشد عراق، همچون نوری مالکی مطرح شد.

ساختار تشکیلاتی گروه مقاومت حشدالشعبی عراق

با قدرتمندشدن و تجاوزهای پی در پی گروه تروریستی داعش و همچنین حضور این نیروهای تروریستی در منطقه، به‌ویژه در عراق و سقوط شهرهای تکریت و موصل به‌دست آن‌ها، نیروهایی در قالب بسیج مردمی که به‌عنوان نوظهورترین نیروی نظامی مردمی و عقیدتی در چارچوب مقاومت و با فتوای مرجعیت دینی و استقبال گسترده مردم ایجاد شدند. همچنین می‌توان این نیروهای مقاومت را هم‌ردیف نیروهای مقاومت حماس فلسطین و انصارالله یمن و حزب الله لبنان با کارکردهای مشابه در راستای دفاع از امنیت ملی و مبارزه با تروریست برشمرد. این ظرفیت به‌وجود آمده در حال حاضر نقش بی‌بدیلی در ساختار امنیتی و اتحاد مردمی در دولت عراق دارد و زمینه‌ساز فرصتی است که به‌جای تکیه بر قدرت بیگانگان در زمان اضطراب از آن استفاده کرد. با توجه به منابع موثق و اطلاعات و منابع میدانی، نُه گروهی که در بیشتر عملیات‌های گروه مقاومت حشدالشعبی نقش پررنگی داشتند، به‌شکلی هسته مرکزی این گروه مقاومت را تشکیل می‌دادند و سپاه پاسداران نیز با تعداد شش گروه از این تعداد ارتباط مستشاری داشتند. همچنین هادی العامری، فرمانده شاخه نظامی سازمان بدر و ابومهدی مهندس، هماهنگ‌کننده امور گردان‌های امام علی (ع) و حزب الله عراق نیز جزو نیروهای فرماندهی گروه مقاومت حشدالشعبی برآمده از درون این گروه‌ها بودند.

این گروه‌ها علاوه بر ارتباط با سپاه پاسداران، عقیده پیروی از ولایت فقیه را براساس خط مشی اعلامی خود ترویج می‌کردند. در این میان به‌ویژه چهار گروه گردان‌های حزب الله عراق، عصائب الحق، جنبش نجباء و گردان‌های امام علی (ع)، به‌دلیل نقش آفرینی علیه اشغالگران آمریکایی بعد از سال ۱۳۸۲ یا برخورداری از ارتباط شبکه‌ای در این مسیر، جایگاه ویژه‌ای در اسناد و ادبیات راهبردی ایالات متحده آمریکا دارند. با توجه به ارتباط مستمر افراد و گروه‌های مقاومت حشدالشعبی با سپاه پاسداران ایران، این گروه به حشدالایران نیز شهرت دارند.

اهداف و رسالت گروه مقاومت حشدالشعبی عراق

اهداف و قاعده‌های جمعی جدید امنیتی و دفاعی در راستای تکوین و توسعه ارزش و فرهنگ مبارزه با تروریسم در گروه مردم نهاد حشدالشعبی پدیدار و موجب وحدت و تقویت ایده مقاومت و امنیت عراق از راه کنش عملی مبارزه با داعش شده است.

حشدالشعبی به مثابه گروه تولید امنیت

الف) هویت و هنجارهای مشترک در حشدالشعبی

هویت

با توجه به چگونگی تکوین هویت گروه مقاومت حشدالشعبی باید تعریفی بیان کنیم از بازیگران و شرایط محیطی اثرگذار بر هویت که این بازیگران از خود داشته‌اند. در شرایط آشفتگی و هراس عمومی و شرایط شکنندگی ساختار نظامی و سیاسی در عراق، گروه تروریستی داعش توانست با توجه به رشد و توسعه سریع، بخش‌های زیادی از شمال و غرب عراق را تصرف کند (Nazari, Alseimari, 2013:77). با توجه به شرایط بحرانی در کشور عراق در این دوره از زمان، مرجع عالیقدر عراق، آیت الله سیستانی دفاع از کشور را واجبی مقدس و مسئولیت ملی و شرعی دانسته و فارغ از معیارهای قومی، فتوای جهاد کفایی را اعلام کردند.

هنجارها

عواملی به‌عنوان هنجار، قوام‌بخش هویت در حشدالشعبی هستند. همچنین هنجارها می‌توانند مسئولیت‌کنشگران را در معانی ذهنی آن‌ها جایابی و موجب تنظیم و شناسایی و حتی تأیید یک هویت خاص شوند. گفتمان اسلامی را می‌توان از مهم‌ترین هنجارهایی دانست که نقش تقویت‌کننده هویت امنیت و ضدتروریستی را دارد. گروه‌های حشدالشعبی با القانست به ارزش‌های دینی که مبارزه در برابر متجاوزان تروریست را ارزش می‌داند. همچنین جهاد را به هنجار تبدیل کرده است که بتوان محرکی برای پیوستن مردم به گروه‌های مقاومت باشد. حشدالشعبی با توجه به فتوای مرجعیت دینی و واجب‌دانستن پیروی از دستورات مقام معنوی را به‌عنوان هنجاری در نظر گرفته که نقش به‌سزایی در شکل‌گیری هویت آن‌ها دارد (n- terrorist, ۲۰۱۶).

تهدیدانگاشتن گروه تروریستی داعش برای اماکن مذهبی و متبرکه از مهم‌ترین

هنجارهایی است که سبب تقید حشدالشعبی در ساختار امنیتی عراق می‌شود. این هنجار ناشی از سختی‌هایی است که امام حسین (ع) در راه جهاد برای خداوند متعال متحمل شده است و سبب تقویت روحیه جهادی در این گروه مقاومت می‌شود و نیز از دیگر هنجارهایی است که در اذهان اعضای حشدالشعبی، موجب تقید آنان به حضور در ساختار امنیتی عراق شده است (Azad, 2015:5).

ب) ارتباط مستمر و دائم اعضا

وجود ارتباط مستقیم و دائم در زمینه‌های مختلف از ویژگی‌های جمعی انسان است که امنیت در آن‌ها با ویژگی‌های خاصی بر ساخته شده است. همچنین انسان‌ها شبکه‌هایی را با ارتباط و تعامل با محیط و اجتماع ایجاد می‌کنند که سرانجام منجر به معنا می‌شود. زمانی می‌توان به تبادل اهداف و منافع و عواطف دست یافت که ارتباط فزاینده‌ای در اشتراک‌گذاری معنا باشد. منبع مهم تولید معنای اجتماعی، ارتباط بین اعضای جامعه است که این ارتباط سبب همدلی و هم‌اندیشی و در نهایت ساخت قواعد جمعی از آن منتج می‌شود (Castells, 2013: 13-23).

- مناسک مذهبی

برنامه‌های جمعی، مهم‌ترین زمینه ارتباطی است که تشکیلات و سازمان‌های حشدالشعبی به تبعیت از الگوی سپاه پاسداران و بسیج برگزار می‌کنند (Knights, 2016:1). حضور افراد حشدالشعبی در بارگاه‌های زیارتی ائمه اطهار (ع) که گاهی با یونفرم «هئیه الحشد الشعبی» بوده، سبب تأثیرگذاری عمیق به‌وسیله معانی ذهنی و به اشتراک گذاشتن آن به‌صورت رو در رو می‌شود. همچنین دیدار زائران عراقی و مردم با این گروه و گفت‌وگو با این افراد آنان را قادر می‌کند توانایی انتخاب و حضور راحتی به تشکیلات را برای خود مهیا کنند. این ارتباط و معانی مستقیم یک از اثرگذارترین عوامل پیوستن مردم به حشدالشعبی است (Abdul Jabbar and Mansour, 2017:18-20).

- فرهنگ قبیله‌ای و قومی

گردان‌های حشدالعشایری و حشدالترکمانی از گروه‌های حشدالشعبی هستند که ارتباط آن‌ها مبتنی بر فرهنگ قومی و قبیله‌ای است. گروه‌های اهل تسنن الحشدالعشایری به‌دلیل پیوند مذهبی مشترک تعامل و انسجام بیشتری در مبارزه با

داعش دارند. همچنین ویژگی‌های زبانی و قومی و معانی ذهنی ژرف سبب انسجام گروه‌های ترکمانی در عرصه نبرد با داعش شده است.

- رسانه‌های اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی و رسانه یکی دیگر از عوامل مهم در ارتباط گرفتن اعضای گروه مقاومت حشدالشعبی است که به نحوی از این راه «شبکه‌بندی» در ذهن افراد ایجاد می‌شود. همچنین یکی از مؤثرترین روش‌هایی که می‌توان آن را در انسجام بخشی ساختار ذهنی افراد این گروه مؤثر دانست، به اشتراک گذاشتن تولید محتوای هم‌سو با هویت و هنجارهای گروه حشدالشعبی در قالب سروده‌ها و نماهنگ‌ها است (al. hashed, 2017).

- ایجاد اهداف مشترک و قاعده جمعی برای انجام مسئولیت

با توجه به رسالت گروه‌های مقاومت و اولویت یکپارچگی این گروه‌ها در راستای اهداف مشترک و بلندمدت، ارتباط مداوم اعضا زمینه‌ساز تجانس‌های دینی و قومی را فراهم آورده است تا بر این اساس اعضای خود را در راه فداکاری و دستیابی به اشتراک‌های ذهنی که در هویت و هنجارهای آن‌ها نمود داشته هماهنگ کنند (Ekhtiari Amiri, 2015:5). از مهم‌ترین عواملی که منجر به شکل دادن و همبستگی جمعی بین اعضا بوده است:

- مبارزه با داعش و بیرون راندن آنان از سرزمین عراق در راستای هویت دفاع ملی؛
- آزادسازی شهرها از وجود تروریست‌های تکفیری داعش؛
- کمک‌رسانی به مردمی که در محاصره تکفیری‌ها بودند و نمی‌توانستند با تکفیری‌ها مقابله کنند؛
- حفظ امنیت همه مکان‌های متبرکه و زیارتی، به ویژه حرم‌های ائمه اطهار(ع)؛
- جلوگیری از تجزیه و حفظ و یکپارچگی کشور عراق (Duman, 2016:10).

گروه مقاومت حماس فلسطین

زمینه‌های شکل‌گیری گروه مقاومت حماس فلسطین

«حماس» نام مختصر «حركة المقاومة الإسلامية» جنبش مردمی است که در پی ایجاد شرایط لازم برای آزادی این کشور از ظلم و تجاوزگری صهیونیست‌ها و حامیان آن‌هاست. این جنبش انقلابی که از حمایت توده‌های مردم برخوردار است بر این باور است که تا آزادی فلسطین از نهر تا بحر به مبارزات خود ادامه می‌دهد.

شهر این جنبش در قالب لوگوی آن ترسیم شده است. بدین معنی که تصویر مسجدالاقصی به عنوان نقشه کوچک فلسطین تصور شده است که توسط دو علم محافظت می شود. حماس در ۱۵ دسامبر ۱۹۸۷، بیانیه تأسیس خود را منتشر کرد؛ اما جرقه های اولیه شکل گیری آن به دهه چهل قرن گذشته بر می گردد. این جنبش در امتداد جنبش اخوان المسلمین شکل گرفت و پیش از اعلام موجودیت، اخوان المسلمین با بیان مواضع خود در برابر مسئله فلسطین اسم های دیگری چون «جنبش پیکار اسلامی» و «حامیان سرزمین اسرا» و ... مطرح بود. حوادث متعددی که در سال ۱۹۴۷ و به ویژه بعد از شکست سال ۱۹۶۷ روی داد، زمینه شکل گیری جنبش مقاومت حماس را فراهم آورد (Zarean, 2014: 93-95). این جنبش توسط شیخ احمد یاسین با انتشار منشور گروه مقاومت حماس در میان گروه های اخوانی فلسطین در اوت ۱۹۸۸ متولد شد. این منشور علاوه بر موضوعات محوری و فلسفه جنبش و مواضع آن در قبال موضوعاتی مانند رفاه اجتماعی و نقش زنان و حرکت های ملی گرا موضع می گرفت (Abu Amr, 1993: 28-51). ظهور جنبش مقاومت حماس، تحولاتی را در ۴ مرحله پدیدار کرد که این مسیر نتیجه تحول راهبردی در جنبش اخوان به مرحله جهاد واقعی بود:

- مرحله اول: گرفتن مجوز تأسیس مجمع اسلامی در سال ۱۹۷۳ از رژیم صهیونیستی و سازماندهی هسته اولیه کادرهای حماس؛
- مرحله دوم: منسجم کردن و نهادسازی جنبش حماس با گسترش حوزه جغرافیایی؛
- مرحله سوم: برنامه ریزی و تنظیم دستگاه های اجرایی برای رسیدن به دوران نفوذ سیاسی و آمادگی برای مبارزه مسلحانه؛
- مرحله چهارم: ظهور در صحن؛ فلسطین در سال ۱۹۸۸ و اعلام راهبردی به صورت رسمی (Razavi, 2005: 105-120).

ساختار تشکیلاتی جنبش مقاومت حماس فلسطین

جنبش مقاومت حماس فلسطین به مانند گروه اخوان از کمیته مرکزی، دفتر سیاسی، شورای عمومی و ساختارهای مشابه شکل گرفته بود که در راستای این تشکیلات کمیته های تبلیغاتی و امنیتی (مجد)، سیاسی، بسیج ملی و جناح نظامی و دفتر رسیدگی به مرزهای سرزمین های اشغالی تشکیل شده بود (Molla

(Ebrahimi, 2003:218). همچنین به وسیله سه دستگاه همه فعالیت‌های، نظامی و تبلیغاتی و سیاسی (گردان‌های قسام) انجام می‌گیرد. حماس پس از شکل‌گیری با انجام فعالیت‌هایی در میان توده مردم محبوبیت‌هایی کسب کرد.

الف) تشکیلات ساختاری و رسمی حماس در داخل سرزمین فلسطین

پس از شرکت جنبش مقاومت حماس در انتخابات و گرفتن مشروعیت سیاسی در عرصه داخلی و خارجی، تشکیلات رسمی حماس در ساختار دولتی فلسطین شکل منسجمی پیدا کرده است.

- دولت حماس

جنبش حماس در انتخابات پارلمانی فلسطین در سال ۲۰۰۶ توانست با به‌دست‌گرفتن بیشتر کرسی‌های مجلس قانون‌گذاری، دولت قانونی فلسطین را تشکیل دهد. همچنین مهم‌ترین دلایل قدرت‌گرفتن حماس در منطقه غزه، نشأت گرفته از اختلاف این جنبش با فتح است.

- فراکسیون تغییر و اصلاح

فراکسیون تغییر و اصلاح به‌عنوان تنها فراکسیون جنبش حماس در مجلس قانون‌گذاری فلسطین است. در سال ۲۰۰۶ این فراکسیون با کسب ۷۴ کرسی توانست مأمور تشکیل دولت شود که در آن دوره مسئولیت دبیر فراکسیون، محمود الرمحی و مسئول روابط خارجی دولت مشیرالمصری بر عهده داشتند. رئیس و نایب اول پارلمان فلسطین نیز از این فراکسیون هستند.

ب) تشکیلات ساختاری و غیررسمی حماس در داخل سرزمین فلسطین

جنبش مقاومت حماس ساختارهای غیررسمی پیچیده‌ای دارد که بیشتر در امور مذهبی و اجتماعی با توجه به اهداف و فعالیت‌های این جنبش فعالیت می‌کند که عبارت‌اند از:

رهبران سیاسی محلی

رهبران سیاسی وظیفه بیان دیدگاه‌های جنبش و هدایت فعالیت‌های میدانی مردم را بر عهده دارند. همچنین این رهبران جایگاهی بالاتر و برابر با رهبران حماس مستقر در خارج از فلسطین را دارند، ولی بنابر مقتضیات و تمایل آن‌ها در داخل، عهده‌دار

مسئولیت‌های رده بالا و رسمی در حماس نیستند. همچنین مواضع رسمی حماس را سخن‌گویانی بیان می‌کنند که در داخل حضور دارند. همه هماهنگی فعالیت بخش‌های مختلف و ارتباط با دیگر گروه‌ها و تشکیلات خودگردان به عهده این افراد است (Razavi and Ghasemi, 2012: 95).

تشکیلات اجتماعی

در این گروه، سطوح مختلفی بر حسب میزان پیروی و اطاعت‌پذیری از دستورهای مختلف بین افراد و قشرها وجود دارد که عبارت‌اند از:

- دسته اول، بر مبنای اطاعت‌پذیری کامل از جنبش طبقه‌بندی شده‌اند؛
- دسته دوم، افرادی که بر حسب موقعیت از خواسته‌های جنبش پیروی می‌کنند. این افراد با افکار و اعتقادات جنبش موافق بوده، ولی در شرایط اضطرار و فشارهای رژیم غاصب با تشکیلات همراهی نمی‌کنند.
- دسته سوم، وابسته به جریان‌های فلسطینی و دیگر گروه‌ها، به‌ویژه گروه‌های فتح و خودگردان هستند (Razavi and Ghasemi, 2012:98).

تشکیلات امنیتی و نظامی

به یقین می‌توان بخش امنیتی و نظامی در عین مخفی‌بودن را از مؤثرترین و مهم‌ترین بخش‌های گروه مقاومت دانست که در این زمینه همه فعالیت‌ها و اقدامات آن تأثیر زیادی بر تحولات و معادلات فلسطین دارد. با توجه به اینکه گردان‌های نظامی قسام به‌صورت دو بخش، یکی در کرانه باختری و دیگری در نوار غزه به دلایل امنیت تقسیم شده‌اند. همچنین اعضای کرانه باختری این گردان نامشخص بوده و گردان دیگر در نواز غزه دارای پنج گردان مجزا تفکیک شده است، شامل شمال غزه، جنوب غزه (رفح)، مرکز نوار غزه، غزه و خان یونس که رابطه این گردان‌ها با دفتر فرماندهی بسیار خوب است (zarey, 2011: 12).

ج) ساختار و تشکیلات حماس در خارج از فلسطین

شورای مرکزی

شورایی متشکل از ۵۰ الی ۷۰ نفر که هویت آن هم مخفی بوده، جزو بالاترین مرجع تصمیم‌گیری در جنبش مقاومت حماس هستند. همچنین با توجه به مقتضیات، جلساتی را هر ۴ سال یک بار تشکیل می‌دهند و نسبت به انتخاب اعضای آشکار و

مخفی بخش‌های مختلف تصمیم می‌گیرند (Razavi and Ghasemi, 2012: 87).

دفتر نمایندگی در کشورهای مختلف

این جنبش در کشورهای پاکستان، عربستان، قطر و کویت به شکل غیررسمی و در حال حاضر در تهران و خارطوم و صنعا و دمشق و بیروت به طور رسمی دفتر دارد. این جنبش توانسته در کشورهایی که دانشجویان فلسطینی حضور دارند، از راه انجمن‌های دانشجویی و اتحادیه‌ها پایگاه‌هایی را به دست آورد.

اهداف و رسالت جنبش مقاومت حماس فلسطین

با توجه به روند شکل‌گیری و ظهور حماس از بدو فعالیت‌های این جنبش در سال ۱۹۸۸، سه راهبرد از سوی این جنبش در دوره‌های زمانی مختلف انجام گرفت که عبارت‌اند از:

- مشارکت در فعالیت‌های سیاسی با حفظ اصول جنبش، از جمله ادامه مقاومت و به رسمیت نشناختن اسرائیل؛
- مخالفت شدید با قرارداد اسلو (۱۹۹۳)؛
- مشارکت جدی در قیام عمومی مردم فلسطین (انتفاضه) (Farhadinia, 2000: 53-77).

جنبش مقاومت حماس در دوران انتفاضه

انتفاضه مردم فلسطین نشأت گرفته از انقلاب اسلامی ایران و ناامیدی مردم از گروه‌های سیاسی لائیک و نظامی در نجات فلسطین و سرکوب و کشتار بی‌رحمانه فلسطینیان توسط رژیم صهیونیستی و نارضایتی و ناامیدی از دولت‌های عربی است. این حرکت، با توجه به بعد فرهنگی و دینی آن در سال ۱۹۸۷ وارد ادبیات سیاسی روزمره فلسطین شد (Khodadadi, 2004: 63-88). انتفاضه مردم فلسطین حرکتی خودجوش و بدون سازماندهی از سوی گروه‌های سیاسی است که حتی موجب غافلگیری گروه‌های سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) و اخوان المسلمین شد.

۵-۵. مخالفت حماس با قرارداد اسلو

از دیدگاه جنبش حماس قرارداد اسلو حاکمیت واقعی و استقلال همه‌جانبه را برای این کشور به ارمغان نیاورده است. همچنین بخشی از اراضی فلسطین در این قرارداد، از گستره مرزی آن خارج شده است. جنبش حماس با توجه به باورهای

دینی خود به شدت با قرارداد مخالفت کرد. اولویت و هدف آزادسازی کرانه باختری و کامل کردن آزادی نوار غزه، از مهم‌ترین اهداف جنبش حماس بعد از قرارداد اسلو بوده است (Farhadinia, 2000: 53-77).

ورود حماس به صحنه سیاسی فلسطین

موضع روشن جنبش حماس درباره ساف، پس از قرارداد غزه نمایان شد. از آن پس، این سازمان را (ساف) تنها نماینده، بخشی از ملت فلسطین دانسته و اولویت خود را در رقابت بر سر نمایندگی ملت فلسطین با سازمان آزادی بخش قرار داد (Al-hamad and Barghouti, 2001: 279). با توجه به دستیابی حماس به ۳۰ درصد آرا و پیروزی حماس در انتخابات شهرداری‌ها، خواست این جنبش، ورود به عرصه انتخابات مجلس و برعهده گرفتن امور اجرایی فلسطین بود (Pashghasemi, 2007: 91-104). پس از تضمین ابومازن، مبنی بر تجدیدنظر در سازمان آزادی بخش فلسطین و برگزاری انتخابات آزاد و سالم، جنبش مقاومت حماس ضمن آتش بس یک ساله با رژیم صهیونیستی، خود را برای ورود به انتخابات مجلس قانون‌گذرای و شورای محلی آماده کرد (Khosravi, 1385: 1-17). مهم‌ترین دلایل ورود جنبش مقاومت حماس با توجه به مصاحبه رئیس دفتر سیاسی حماس در ۱۴ مه ۲۰۰۴ این‌ها هستند:

- تجدید قوا و استراحت دوره‌ای رزمندگان حماس؛
- مشکلات فراوان و به‌ویژه معیشتی مردم فلسطین؛
- فسادگسترده در دستگاه‌های اجرایی تشکیلات خودگردان (Pashghasemi, 2007: 91-104).

راهبرد جنبش مقاومت حماس در مسائل منطقه

شکل‌گیری جنبش حماس بر مبنای تفکر اسلامی و از دل انتفاضه فلسطین و برگرفته از انقلاب اسلامی ایران بوده است و در جهت تحقق آرمان فلسطین در محور مقاومت، از سوی جمهوری اسلامی ایران حمایت شده است. ولی در تحولات اخیر منطقه بازم با توجه به ارزش‌ها و بازتعریفی که از هویت اخوانی خود کرد از محور مقاومت فاصله گرفت و منافعش با جمهوری اسلامی در تعارض قرار گرفت. با توجه به اینکه حماس که به‌عنوان جنبشی جهادی، همواره جهاد و مبارزه مسلحانه با اسرائیل را

راهکار مناسب دستیابی به حقوق غصب‌شده ملت فلسطین می‌دانست، در گذار از وضعیت غیررسمی مبارزه به در دست گرفتن حکومت، در نتیجه انتخابات سال ۲۰۰۶، با چالش مهمی روبه‌رو شد. رهبری حماس آشکارا می‌دید که این جنبش اکنون مسئولیت بزرگ‌تری در قبال ملت فلسطین و نه فقط اعضا و طرفداران خویش دارد. این بدان معناست که هرگونه کنش جهادی حماس می‌توانست هزینه‌هایی را متوجه همه فلسطینی‌ها کند.

همچنین راهبرد حماس در مسئله تغییر رویکرد منطقه‌ای و فاصله گرفتن جنبش حماس از ایران را در سال‌های اخیر می‌بینیم. مبنای این شبهه در مواضع اخیر حماس، مانند بی طرف ماندن آن‌ها در صورت وقوع جنگ بین ایران و اسرائیل، حمایت حماس از شورشیان سوری، نزدیکی با قطر و ترکیه، هم‌سویی با اخوان مصر، سازش با گروه فتح قابل استناد است. باید توجه داشت که جنبش‌های آزادی‌بخش، همچون هر پدیده اجتماعی دیگر، در گذر زمان و تحت تأثیر شرایط و مؤلفه‌هایی، دچار تحول می‌شوند.

مهم‌ترین رویکردهای جدید جنبش مقاومت حماس فلسطین

الف) تحول فضای عربی ضد حماس

با شروع بیداری اسلامی در منطقه و سرنگونی حکومت دیکتاتوری حسنی مبارک و بن علی، فضایی برای جنبش مقاومت حماس فراهم شد. در گذشته با توجه به مخالفت رژیم‌های عربی، قدرت‌یابی و حمایت این کشورها از حماس امکان‌پذیر نبود. در حال حاضر با توجه به تحولات کشورهای عربی و تغییرات گسترده در فضای پیرامونی جهان عرب، این حمایت‌ها آشکارا و در راستای قدرتمند شدن جنبش مقاومت حماس شکل می‌گیرد.

ب) توافق دوحه و سازش فلسطینی

با توجه به اینکه حماس و فتح که تاکنون میانجیگری‌های متعدد و متنوعی را در راستای تحقق مصالحه تجربه کرده‌اند، این بار تحت تأثیر تحولات و پیامدهای داخلی آن بر سپهر سیاسی فلسطین، مصالحه را پذیرفتند. اهمیت این اعلامیه در پذیرش شرایط فتح از سوی حماس نهفته است. تا پیش از توافق دوحه، یکی از موانع اصلی پیشبرد مصالحه، نبود توافق بر سر نخست‌وزیر آینده بود. در این

توافق، حماس از این پستِ هر چند موقتی به سود محمود عباس گذشت. بنابراین پس از تحولات جهان عرب در اثر بیداری اسلامی، حماس با اشتباهی راهبردی در عمل از عقاید و ایدئولوژی انقلابی خود در مواجهه با رژیم اسرائیل کوتاه آمده و بر مواضع سازش‌کارانه فتح مهر تأیید زده است.

ج) عبور از متحد خود، سوریه

پس از انتخابات سال ۲۰۰۶ فلسطین، سوریه یکی از حامیان اصلی حماس است. با توجه به بحران سوریه و حمایت نکردن حماس از این حکومت و هم‌نوابودن با معترضان داخلی، جنبش مقاومت حماس با اعلام موضع صریح خود نسبت به بحران فراگیر سوریه، با توجه به منافع خود، نگاه مسالمت‌آمیزی به کشورهای عربی و اسرائیل داشته باشد. دلیل دیگر صف‌بندی و همراهی اولیه حماس با سوریه، توان این کشور در حمایت از این جنبش و پشتیبانی مالی، تسلیحاتی و سیاسی از آن بوده است که با توجه به بحران‌های جدی و گسترده سوریه در سطوح مختلف، توان حمایتی آن از جنبش حماس سیر نزولی داشت. همچنین با توجه به نیاز حمایتی به منابع مالی برای پیشبرد اهداف جنبش حماس به تدریج منابع مالی جدیدی از کشورهای عربی دریافت کردند که دریافت آن مستلزم همراهی سیاسی در منطقه بوده است (Fathollah, 2013).

د) تقسیم حماس به داخل و خارج

بروز اختلاف گسترده میان رهبری داخل و خارج از تحولاتی است که آغاز تغییر رویکرد داخلی و منطقه‌ای حماس را نشان می‌دهد. اگرچه این اختلاف‌ها پیش‌تر هم بوده است، رقابت و اختلاف داخلی میان طرفداران دو خط مشی متفاوت است؛ گروهی طرفدار تداوم راهکارهای پیشین حماس در برابر اسرائیل، حکومت خودگردان و محور مقاومت و گروهی خواستار تحول این رویکردها برای همگامی با تحولات پیرامونی به‌ویژه در مصر و سوریه هستند.

شباهت‌های گروه‌های مقاومت حشد الشعبی عراق و حماس فلسطین

- هر دو گروه مقاومت در پی ایجاد شرایط لازم برای آزادی کشور از ظلم و ستمگری و تجاوز به صحنه مبارزه ورود پیدا کردند. همچنین این گروه‌ها از حمایت توده‌های مردم برخوردارند.

- هر دو گروه، پیوند عمیقی با انقلاب اسلامی ایران دارند و رشد و نفوذ این گروه‌ها به‌عنوان بازوان حمایتی جمهوری اسلامی بسیار بااهمیت است.

- هر دو گروه، دشمنان برون‌مرزی مشترکی مانند آمریکا داشته و با گستردگی فعالیت و نفوذ خود، گاهی با حملاتی از سوی این کشورها بر علیه منافع خود قرار می‌گیرند.

در میان بازیگران خارجی، آمریکایی‌ها باهدف تحدید راهبردی حشدالشعبی، گزینه انحال این گروه را در دستور کار قرار دادند. این گروه برخلاف گروه جیش‌المهدی که در ۲۸ اوت ۲۰۰۸ منحل شد، مخالف رهاکردن سلاح‌هایشان مقابل اشغالگری آمریکا هستند.

به هر ترتیب، کارنامه آمریکا در عراق چه در خصوص حمایت‌های بی‌دریغ از داعش و چه در صحنه ضربه واردکردن به نیروهای مردمی حشدالشعبی و به شهادت رساندن تعداد زیادی از آن‌ها، به اندازه‌ای منفی است که به عناصر نفوذی در عراق، اجازه تحرک‌های مدنظرشان را نمی‌دهد. از سویی، عملکرد نیروهای حشدالشعبی در حذف و سرکوب نیروهای داعش و کمک‌رسانی به مردم عراق در دوره‌های مختلف به‌اندازه‌ای افتخارآمیز و تحسین‌برانگیز است که هیچ‌کس در عراق توان تضعیف و حذف آن‌ها را از صحنه سیاسی این کشور ندارد.

یکی از ۱۲ شرط پمپئو برای دستیابی توافقی جدید با ایران، «خلع سلاح و انحلال گروه‌های شبه‌نظامی شیعه» بود. با توجه به سیاست‌های ایالات متحده آمریکا در رویارویی با گروه‌های مقاومت، به‌ویژه حماس و اجرای سیاست‌های متخاصمانه برای حمایت از رژیم صهیونیستی، در زمان‌های بحران و درگیری گروه‌های مقاومت حماس و اسرائیل، سبب شده است تا شمار زیادی از افراد و نهادهای وابسته به حماس را در گوشه و کنار جهان تحریم کنند که این تحریم‌ها شامل خیریه‌هایی در نقاط مختلف جهان به‌عنوان مکانیسم‌های مهمی برای جمع‌آوری کمک مالی نیز بوده است. همچنین ایالات متحده آمریکا به‌طور تنگاتنگ با حوزه‌های قضایی که در برابر حماس آسیب‌پذیر هستند نیز همکاری می‌کند تا چارچوب‌های مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم را در آن‌ها تقویت کند.

- هر دو گروه مقاومت با توجه به تهدید منافع کشورهای آمریکا و اسرائیل در لیست گروه‌های تروریستی قرار گرفته‌اند.

تفاوت‌های گروه‌های مقاومت حشدالشعبی عراق و حماس فلسطین

- ساختار تشکیلاتی گروه مقاومت حماس از گروه مقاومت حشدالشعبی عراق، با توجه به قدمت تنش‌ها و درگیری‌های موجود در پیشینه دور از ساختار منسجم‌تر و تشکیلاتی‌تری برخوردارند.

شرایط اضطراری حاکم بر عراق، دولت را وادار کرد تا بسیج نیرو برای تشکیل یک ساختار دفاعی کمکی را در دستور کار قرار دهد. در این روند، شاخه‌های نظامی احزاب و جریان‌های سیاسی شیعه به بستر جذب نیروی انسانی در شرایط اضطراری تبدیل شدند که نتیجه آن تشکیل یک سازمان جدید نظامی رسمی به نام حشدالشعبی به موازات ارتش و پلیس در عراق بود.

از سوی دیگر، دولت عراق به موازات تشکیل ساختارهای دفاعی کمکی، با درخواست کمک از شورای امنیت سازمان ملل متحد و ایالات متحده، میزبان ائتلاف بین‌المللی عزم ذاتی با فرماندهی آمریکایی شد که مأموریت آن مبارزه با داعش بود. در مورد ماهیت اولیه شرایط تشکیل گروه مقاومت حماس این‌گونه بود که ابتدا در شرایط اضطراری این گروه به میدان وارد نشد. جنبش حماس ابتدا براساس فعالیت فرهنگی اجتماعی تأسیس شد، پس از چند سال، اقدامات نظامی را برای دستیابی به اهداف خود، ضروری دانست.

- با توجه به قالب جمعیتی شیعی گروه مقاومت حشدالشعبی عراق، این گروه نسبت به گروه مقاومت حماس با قالب جمعیتی سنی، در مشی مبارزاتی الگوبرداری متفاوت‌تری دارند و از آن تبعیت می‌کند.

- با توجه به شرکت جنبش مقاومت حماس در انتخابات و کسب مشروعیت سیاسی در عرصه داخلی و خارجی، تشکیلاتی رسمی حماس در ساختار دولتی فلسطین شکل منسجم‌تری نسبت به گروه مقاومت حشدالشعبی در عراق دارد.

ورود حماس به پارلمان فلسطین پس از اطمینان از مسائل مهمی بود که در مورد آن‌ها تصمیم گرفته شد: ۱. اطمینان از اینکه چنین تصمیمی نظر اکثریت نهادها و رهبران بلندپایه و فرماندهان حماس است؛ ۲. اطمینان از اینکه هر تصمیمی که حماس بگیرد به زیان برنامه‌ها و سیاست‌های مبارزاتی‌اش تمام نشود؛ ۳. اطمینان از اینکه هیچ تصمیمی هرگز در چارچوب پیمان فاجعه بار اسلو نباشد.

جنبش حماس در حالی که بر انتخابات تأکید می‌کند از مشی مقاومت نیز

حمایت می‌کند. مسلم است که جنبش مقاومت اسلامی حماس اکنون به جنبش و گروه بزرگی تبدیل شده است و پشتوانهٔ مردمی بزرگی دارد و در بزنگاه‌ها از این ظرفیت معنوی بیشترین بهره را می‌برد. همچنین در مراحل اول و دوم انتخابات شوراهای محلی و شهرداری‌ها در کرانهٔ باختری و نوار غزه وضعیت خود را تثبیت کرده است و اکنون ملزم به پاسخ‌گویی به نیازهای مردمی است که حامی مقاومت و پشتیبان آن هستند. - در مقایسه هویت این دو گروه مقاومت می‌توان گفت بیشتر گروه حشدالشعبی ایدئولوژی اسلامی شیعی دارند و ایدئولوژی جنبش حماس ریشه در اخوان المسلمین مصر دارد.

- در گروه حشدالشعبی بیشترین نزدیکی با شیعهٔ دوازده امامی بیشتر جلوه داشته و در جنبش حماس با توجه به مبانی اعتقادی و فقهی این گروه که نشأت گرفته از اخوان المسلمین مصر بوده جنبه اسلام‌گرایی آن بیشتر جلوه دارد.

نتیجه

در این پژوهش به دنبال پاسخ این پرسش بودیم که گروه‌های مقاومت حشدالشعبی عراق و حماس فلسطین چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با یکدیگر دارند؟ با توجه به بررسی انجام شده و استفاده از چارچوب مفهومی آلن تورن، میان سه مؤلفهٔ مورد نظر، عمومیت، ضدیت یا مخالف و اصل هویت، شباهت‌ها و تفاوت‌های به نسبت مشهودی وجود دارد. به‌شکلی که با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های هر یک از این دو گروه مقاومت، در بعضی موارد تفاوت‌هایی با توجه به شرایط خاصی که در آن قرار گرفته‌اند مشهود بوده است. براساس مؤلفهٔ اصل هویت، گروه مقاومت حشدالشعبی عراق با توجه به محوریت در عضوگیری نیروهای مردمی و فارغ از قومیت و مذهب شکل گرفته است. همچنین ظهور پدیدهٔ تروریسم تکفیری در منطقهٔ غرب آسیا سبب شد، بخش‌های قابل توجهی از غرب کشور عراق زیر سیطرهٔ «داعش» دربیاید. در چنین شرایطی، ناکارآمدی ارتش عراق در مبارزه با تروریسم و نیز تصمیم هیئت وزیران در دورهٔ نخست وزیری نوری المالکی مبنی بر تشکیل یک نیروی مردمی برای دفاع از تمامیت ارضی عراق و بیرون‌راندن تروریست‌ها از این کشور و سرانجام صدور فتوای جهاد کفایی از سوی مرجعیت عالی عراق برای حضور اقشار مختلف مردم در مجاهدت ضد داعش پایهٔ حشدالشعبی را بنا نهاد.

در مقایسهٔ هویت این دو گروه مقاومت می‌توان گفت که بیشتر گروه مقاومت حشدالشعبی عراق ایدئولوژی اسلامی شیعی دارند و ایدئولوژی جنبش مقاومت حماس ریشه در اخوان المسلمین مصر دارد. اشتراک‌ها و تفاوت‌های این دو گروه مقاومت این‌گونه است: در هر دو گروه، رهبران پیشرو این جریانات تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران قرار گرفته و پیاده‌سازی اندیشه‌های انقلاب اسلامی مشهود است. در گروه حشدالشعبی بیشترین نزدیکی با شیعهٔ دوازده امامی جلوه داشته و در جنبش حماس با توجه به مبانی اعتقادی و فقهی این گروه که نشأت گرفته از اخوان المسلمین مصر بوده است جنبهٔ اسلام‌گرایی آن بیشتر جلوه دارد. هر دو گروه مقاومت در پی ایجاد شرایط لازم برای آزادی کشور از ظلم و ستمگری و تجاوز به صحنهٔ مبارزه ورود پیدا کردند. همچنین این گروه‌ها از حمایت توده‌های مردم برخوردارند.

دو گروه مقاومت حشدالشعبی عراق و حماس فلسطین، پیوند عمیقی با انقلاب اسلامی ایران دارند و رشد و نفوذ این گروه‌ها به‌عنوان بازوان حمایتی جمهوری اسلامی بسیار مهم است. گروه مقاومت حشدالشعبی و مقاومت حماس، دشمنان برون مرزی مشترکی مثل آمریکا دارند و با گستردگی فعالیت و نفوذ خود گاهی با حملاتی از سوی این کشورها علیه منافع خود قرار می‌گیرند. با توجه به شرکت جنبش مقاومت حماس در انتخابات و کسب مشروعیت سیاسی در عرصهٔ داخلی و خارجی، تشکیلاتی رسمی حماس در ساختار دولتی فلسطین شکل منسجم‌تری نسبت به گروه مقاومت حشدالشعبی در عراق دارد. در مقایسهٔ هویت این دو گروه مقاومت، درمی‌یابیم بیشتر گروه مقاومت حشدالشعبی عراق ایدئولوژی اسلامی شیعی دارند و ایدئولوژی جنبش مقاومت حماس ریشه در اخوان المسلمین مصر دارد. همچنین راهبرد حماس در مسئلهٔ تغییر رویکرد منطقه‌ای و فاصله‌گرفتن جنبش حماس از ایران در سال‌های اخیر را با توجه به منافع خود می‌بینیم. سایان توجه اینکه جنبش‌های آزادی‌بخش، همچون هر پدیدهٔ اجتماعی دیگر، در گذر زمان و تحت تأثیر شرایط و مؤلفه‌هایی دچار تحول می‌شوند.

References

1. Abbasi, Ebrahim; Tabrizi, Zeinat (2015). A Study of the Relations between Iran and the Hamas Movement after the Islamic Awakening, Volume 6, Number 10 [In Persian].
2. Abu amr, ziad (1993). Hamas political and historical background, Translated by Morteza Qanun, Political Science Quarterly, Preface No. 2. [In Persian]
3. Afshon, Touraj; Allah Karam, Abdolhossein (2018). Comparison of the US security approach and the popular uprising in Iraq, Performance and Outlook, Volume 11, Number 42, pp. 72- 41 [In Persian]
4. Ahmadian, Hassan (2013). Strategic Suggestions for Facing the New Hamas, Borhan Analytical Site. [In Persian]
5. Azad, Amir Hamed (2016). The Bright Shadow of the Popular Rally, Tehran: Noor Institute of Thought Studies, 2016, pp. 21-25 [In Persian]
6. Azad, Amir Hamed (2020). The pattern of formation and limitation of popular mobilization in Iraq, Scientific Quarterly of World Politics Ninth Volume, Consecutive 33, No. 3, 102-72. [In Persian]
7. Barghouti, Ayad and Javad Al-Hamad (2003). A look at the political thought of the Hamas movement, translated by Seyed Hossein Mousavi, Center for Scientific Research and Strategic Studies in the Middle East [In Persian]
8. Castells, Manuel (2014). Networks of Anger and Hope, translated by Mojtaba Gholipour, Tehran, Markaz Publishing [In Persian].
9. Duman, Bilgay (2016). A New Controversial Actor in Post-ISIS Iraq: Al-Hashd Al-Shaabi Report (The Popular Mobilization Forces), Ankara: ORSAM Report, No: 198
10. Farhadinia, Hamid (2000). Hamas Political Thought, Movement Quarterly, First Year, No3. [In Persian].
11. Fawzi, Yahiya (2010). Intellectual typology of contemporary Islamic

movements and its political-security consequences in the Islamic world, Quarterly Journal of Strategic Studies, Year 13, Issue 4 [In Persian].

12. Ghasemi, Ali Pasha (2007). Hamas Victory in Elections, Opportunities and Challenges, Seventh Quarterly Journal of Islamic World Studies, No. 25 [In Persian].

13. Hajli, Ali (2007). Understanding and Studying New Social Movements, Jane Cohen et al, Tehran: Society and Culture Publications [In Persian]

14. Khodadadi, Mohammad Ismail (2004). Formation of the Palestinian Intifada, contexts and reasons. Religion and Politics Quarterly, First Year, No. 1 [In Persian]

15. Khosravi, Gholamreza (2006). Future Perspectives of the Hamas Movement, Research Report of the Institute for Strategic Studies [In Persian]

16. Lecht, John (1998). Fifty Great Contemporary Thinkers: From Structuralism to Postmodernity, translated by Mohsen Hakimi, Tehran: Khojasteh [In Persian].

17. Mullah Ebrahimi, Ezzat (2005). Contemporary Palestinian Culture, Characters and Movements, Volume 1, Tehran: Noor Thinkers Institute [In Persian].

18. Nash, Kit (2014). Contemporary Political Sociology: Globalization Politics and Power, translated by Mohammad Taghi Delfrooz, Tehran: Kavir [In Persian].

19. Opter; David E, and Charles F, Andy Payne, Mohammad Reza Saeedabadi; (2001). Political protest and social change; Tehran: Research Institute for Strategic Studies. [In Persian]

20. Parto, Fathollah (2013). Hamas new approach to changing regional allies, published on the website of Andishekdeh Tebyan [In Persian]

21. Purqiumi, Ayyub (2020). Lessons and Consequences of Popular Resistance in the 22-Day Gaza War, Basij Studies Quarterly. Issue 44

[In Persian]

22. Razavi, Salman (2005). Transformation in Hamas Strategy, Quarterly Journal of Regional Studies of the Islamic World, Year 6, No.

23. [In Persian]

23. Razavi, Salman; Ali Pasha Ghasemi (2012). Hamas government experience, Evaluation and Perspective, Tehran: Noor Institute of Thought Studies [In Persian]

24. Roche, gay (1989). Social Change, translated by Mansour Vosoughi, Tehran: Ney Publishing [In Persian]

25. Tilly, Charles (2017). Social Movements 2004, translated by Ali Morshedizad, Tehran, Imam Sadegh (AS) University [In Persian]

26. Zarean, Ahmad (2014). Rereading Hamas relationship with the axis of resistance after the developments in the Arab world, Quarterly Journal of Strategic Studies of the Islamic World. Q 15. No. 1: Consecutive 75.116-89 [In Persian].

27. Zarei, Mohammad (2011). The structure of Hamas organizations from the past to the present, Information newspaper, numbers 25253, 25254 [In Persian].

28. Iraqi facts No. 4429 (2016) Popular Mobilization Authority Law No. 40 of 2016. <http://www.iraqld.hjc.iq/pdf/2016/gg0475.pdf> [in Arabic]

29. Cabinet Resolution No. 88 (2015), Iraqi Legislation Base [in Arabic]

30. The website of the office of His Eminence, the religious authority of Ali Al-Sayyid Ali Al-Husseini Al-Sistani (2014), what was mentioned in the Friday sermon of the representative of the supreme religious authority in Holy Karbala, Sheikh Abdul Mahdi Al-Karbalai on Sha'ban 14 / 1435 AH corresponding to (13/6/2014 AD). [in Arabic]